



مسئول زیاد داریم، مسئولیت‌پذیر کم!

۳ دیدگاه دربارهٔ مسئولیت‌پذیری از نگاه کارشناسان

- پنهان‌صدقی**

تمامی انسان‌ها مسئولیت‌های متعددی در زندگی شخصی و اجتماعی‌شان بر عهده دارند. مسئولیت در برابر خالق هستی، در برابر خویش، مسئولیت در برابر خانواده و جامعه، محیط زیست و… بی‌شک هر کس از دیدگاه‌ها، زوایا و منظرهای مختلف، یک سری مسئولیت‌هایی بر دوش دارد.یابه تعبیر دیگر تکالیفی برعهده‌او گذاشته شده و او نیز موظف است در زندگی این تکالیف را به نحو احسن انجام دهد، در غیر این صورت باید پاسخگو باشد. به عنوان مثال کارمندی که موظف به حضور در وقت اداری مقرر در بانک یا فرد شغالی که همین شرایط برای او تعریف شده و باید سر ساعت در محل کارش حاضر شود، اگر از مسئولیتی که بر دوش‌شان است، شانه خالی کرده و نظم که یکی از نشانه‌های تقوا است را نداشته باشند، باید پاسخگوی اهمال کاری‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌نظمی‌های خود باشند. روانشناسان و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند مسئولیت‌پذیر بودن آدمی یکی از شروط موفقیت فردی و اجتماعی است، با وجود اهمیت انکارناپذیر مسئولیت‌پذیری در زندگی، امروزه شاهد فرار بسیاری از افراد از این موضوع مهم و شانه خالی کردن‌های فراوان از زیر بار مسئولیت هستیم اما کارشناسان در این زمینه چه می‌گویند؟

- جای درس مسئولیت‌پذیری خالی است**

مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی ایرانی-اسلامی دارای جایگاه رفیعی است. به نوعی می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری یکی از محورهای سبک زندگی سالم است. این در حالی است که در جامعه ما تمام آحاد و فردفرد مردم به‌ویژه مسئولان، دارای مسئولیت‌هایی معین بوده و به برابر انجام و به ثمر رساندن امور و تکالیف محوله مسئول، موظف و مکلفند. با نگاهی به بحث تعهد و مسئولیت‌پذیری از نظر قرآن و احادیث و روایات متوجه عمق اهمیت این مسئله می‌شویم. در کل مسئولیت‌پذیری به عنوان یک رفتار فردی و اجتماعی، یکی از شاخصه‌های ممتاز در تربیت فرهنگی افراد است. همانند بسیاری از رفتارهای اجتماعی این فرآیند از خانه شروع می‌شود. یعنی توسط والدین و رفتار آنها بی‌ریزی می‌شود، در مدرسه ادامه می‌یابد و در جامعه تکمیل می‌شود. در خانواده وقتی والدین به فرزند خود مسئولیتی را واکنار می‌کنند، باید نسبت به پذیرش و

سبک مراقبت

رفتار مسئولانه
فارغ از پاداش و مجازات

- مجدئه معصومی**

واقعاً شرایط جامعه ما به نوعی است که با یک دل‌پیر از گله‌یسه‌خانه برمی‌گردیم! بی‌نظمی در عبور و مرور، کم‌کاری‌های کارمندان در امور ارباب رجوع، بی‌برنامه‌گی در ارائه خدمات شهری، سیاست‌های غلط اقتصادی و… همه اینها روح جامعه را خسته می‌کند. از آن طرف توخیرها حاکی از آن است که در بسیاری از کشورهای دیگر خبری از این آشننگی‌ها نیست و همه امور روی ریل خود در حرکت هستند. با بررسی الگو و سبک زندگی ملت‌ها به این نتیجه می‌رسیم که آنچه جوامع را روی ریل پیشرفت و نظم می‌برد، حس مسئولیت‌پذیری است. اینکه هر کس وظیفه فردی و اجتماعی خود را به درستی انجام دهد.

- مسئولیت‌پذیری بخشنامه‌پذیر نیست**

حس مسئولیت‌پذیری امری نیست که با یک بخشنامه یا چند تبلیغ و سرپال حاصل شود بلکه یک عبقه دارد، یعنی نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری در یک جامعه حاصل یک روند است که طی سال‌های متمادی و از طریق روش‌های متعدد به دست می‌آید. به عنوان مثال در غرب این رفتار اجتماعی بیشتر به دلیل ضوابط سخت اجتماعی شروع اما بعدها به صورت یک رفتار اجتماعی ثابت شد. گرچه همچنان برخی جریمه‌ها و ضوابط سختگیرانه ضامن پذیرفتن برخی مسئولیت‌های اجتماعی است. نمونه این را در کشور خودمان نیز داریم. به طور مثال در ابتدا بستن کمربند ایمنی به اجبار و جریم آن نسبتاً سنگین بود ولی امروزه برای بسیاری از اقسشار جامعه، بستن کمربند یک رفتار اجتماعی حاصل از مسئولیت‌پذیری در جامعه است. هر چند همچنان افرادی هستند که باید با اجبار و جریمه این رفتار را اجرائی کنند.

- رفتار مسئولانه و پرداخت پاداش‌های اجتماعی**

راهکار دیگر برای افزایش حس مسئولیت‌پذیری در افراد

اجرای آن نظرات کامل داشته باشند و در صورت مشاهده تخلفی از قواعد مسئولیت‌پذیری در فرزند خود، آن را اصلاح کنند. بر اساس سن کودک و اگذاری خاموش و روشن کردن تلویزیون تا آب دادن گل‌ها و گیاهان در خانه، جمع‌آوری رختخواب و تختخواب فردی و در مرحله سنین بالاتر، انجام خرید خانه، از خرید نان گرفته تا قلام دیگر، می‌تواند در لیست مسئولیت‌های فرزندان باشد. مناسفانه امروزه در بسیاری از خانواده‌های ما عکس این رفتار مشاهده می‌شود. یعنی فرزند جوان در خانه می‌نشیند، مشغول بازی یا اینترنت یا امور فردی می‌شود و پدر و مادر به‌رغم سن بالا و بعضاً بیماری برای خرید از خانه خارج می‌شوند. در مدرسه نیز مسئولیت‌نگهداری از لوازم کلاس و نظافت آن باید به عهده دانش‌آموزان گذاشته شود. مثل آنچه در ژاپن و بسیاری از کشورهای دیگر وجود دارد. در جامعه ما نیز مسئولیت‌پذیری به عنوان شاخصه ممتاز افراد در مشاغل و مسئولیت‌های سازمانی شناخته می‌شود. امروزه اگر جوانان ما ازدواج‌گریز هستند، در کنار مشکلات مالی و بیکاری، اصل مهم رفتاری، مسئولیت‌گریزی و ترس از پذیرش مسئولیت زندگی، باعث فرار جوانان از ازدواج شده است. آموزش و پرورش باید مهارت مسئولیت‌پذیری در میان دروس اصلی نوجوانان و جوانان قرار دهد تا بتوانیم جمع‌امی پاسخگو با مدبرانی مسئول و پاسخگو داشته باشیم.

- فقدان مسئولیت‌پذیری سلامت جامعه را تهدید می‌کند**

در ک و شناخت آدمی چنانچه افزایش یابد، حس مسئولیت‌پذیری در او ایجاد می‌شود. افسراد مسئولیت‌پذیر از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند. این هوش انطباق انسان با محیط و دیگران را تعیین می‌کند. تعامل در امور نتیجه تفاهم و تعهد در زندگی شخصی است و افرادی که نسبت به خویشتن خویش متعهد، مقید و ملتزم به الگوهای متعالی و کرامت انسانی هستند، مسئولیت‌پذیری‌شان افزایش یافته و الگویی عملی برای اشخاص و جامعه خویش خواهند بود. فقدان حس تعامل، همکاری و مسئولیت‌پذیری سلامت و پویایی جامعه و خانواده را تهدید می‌کند. خانواده‌های منززل و آشفته فاقد مشارکت و تعاملات سالم و سازنده اجتماعی هستند. مسئول در معنای لغوی به معنای کسی است که از او سؤال می‌شود یا به تعبیری درخواست می‌شود و وی مکلف به پاسخگویی به حکم وظیفه است، وگرنه مسئول به معنای کسی که پست و مسئولیتی به او داده شده زیاد است، اما مسئولی که مسئولیت‌پذیر باشد کم داریم. به عنوان مثال ما مردم و مسئولین در مورد همین شعار اسامل که رهبری فرزانه آن را تحت عنوان حمایت از تولید کارگر و کالای ایرانی اعلامگاری فرمودند،



دلاود اسماعیلی

روانشناس و مدرس داشگاه

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

د

در زندگی روزمره کلماتی مانند مسئولیت، مسئول و مسئولیت‌پذیری را زیاد می‌شنویم اما اینکه چه برداشت و تعریفی از آن داشته باشیم اهمیت بسیاری دارد. در واقع ما باید نسبت به اینکه بر زندگی خود و دیگران تأثیر داشته باشیم احساس تعهد کنیم. بنابراین برخی کارها هست که من نباید انجام دهم و برخی دیگر از کارها هست که من متعهد هستم به لحاظ اخلاقی آنها را انجام دهم، چون بر زندگی خودم و اطرفیانم اثرات مثبتی دارد

مسئول هستیم. مسئول حمایت از کارگران، پیشه‌وران، صنعتگران، کشاورزان و تولیدکنندگان داخلی. مسئول ترویج فرهنگ حمایت از تولید، حمایت از کالا و محصول ایرانی.
■ مسئولیت‌پذیری از دوران کودکی آغاز می‌شود
مادر زندگی روزمره کلماتی مانند مسئولیت، مسئول و مسئولیت‌پذیری را زیاد می‌شنویم اما اینکه چه برداشت و تعریفی از آن داشته باشیم اهمیت بسیاری دارد. اگر بخواهیم تعریف ملموسی از مسئولیت ارائه بدهیم، باید بگوییم در واقع ما باید نسبت به اینکه بر زندگی خود و دیگران تأثیر داشته باشیم احساس تعهد کنیم. بنابراین برخی کارها هست که من نباید انجام دهم و برخی دیگر از کارها هست که من متعهد هستم به لحاظ اخلاقی آنها را انجام دهم، چون بر زندگی خودم و اطرفیانم اثرات مثبتی دارد.یکی از مصادیق این تعریف این است که



الهام شرفی‌نیا

روانشناس و مشاور خانواده

پدر و مادرها در رشد احساس مسئولیت کودکان‌شان مسئولند و باید بدانند چگونه و چه زمانی به پرورش این احساس در کودکان‌شان بپردازند. اگر بخواهیم کودکان سالمی تربیت کنیم، توجه به آموزش مسئولیت‌پذیری در آنها نکته‌ای بسیار حائز اهمیت است. اطاعت، آموزش و پرورش کودکان، کودک‌مان باشیم. مخصوصاً اینکه پدر نقش بسزایی در مدل‌سازی برای بچشاند، از مسئولیت‌پذیری کمتری برخوردارند و مشکلات خود را نمی‌توانند کنترل کنند و در مدارس به صورت پرخاشگرانه رفتار می‌کنند. بنابراین پدرها می‌توانند پسران را افراد مسئولیت‌پذیر بار آورند. به کودک بیاموزید که اگر مسئولیتی را انجام نداد، عواقبش را نیز باید بپذیرد. به‌طور مثال اگر اسباب‌بازی‌ها را در سبد جمع نکرد و او برای مدتی از بازی کردن با آن اسباب‌بازی‌ها محروم کنید. انتظار کاری که از کودک دارید را دقیقاً برایش مشخص کنید. به‌طور معمول اگر قرار است به گلنداب آب بدهد، میزان آب را برای او مشخص کنید. اگر بخواهیم به اثرات منفی آموزش حس مسئولیت به کودکان بپردازیم، باید به اصطلاح «هادران آویزان» اشاره کنیم. اصطلاحی که به برخی والدین گفته می‌شود. به والدینی که اطراف کودک‌کشان می‌پلکند و به کودک اجازه نمی‌دهند تا پیامدهای طبیعی را تجربه کند. بنابراین سعی کنیم بین کنترل زیاد و رویکرد فرزندپروری آسان‌گیر، تعادل برقرار کنیم. زمانی که به کودک‌مان اجازه درک و لمس عواقب طبیعی زندگی‌را از نزدیک می‌دهیم، آنها نیز توانایی‌اداره‌امور و نحوه تصمیم‌گیری را یاد خواهند گرفت.

تقوای ایرانی به خودکنترلی ژاپنی می‌ارزد

کلّکم راع و کلّکم مسئول عن رعیت: همه شما به منزله حافظ و نگهبانید پس همه شما نسبت به رعیت خود مسئولید. ضروری است پیرامون مبانی دینی خود آن قدر به بلوغ رسیده باشیم یا قدرآهل تحقیق باشیم که اگر در جایی تفسیر و ترجمان غلطی از دین را به ما ارائه‌اند مانند ما به این ترجمان نقد داشته باشیم و نه به اصل دین. اصلی که اسلام در زمینه مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهد، چیزی شبیه مدل ژاپنی‌هاست. یعنی بر مبنای خودکنترلی (تقوا) است. با این تفاوت که افراد برای جلب رضایت یک محبوب واحد حقیقی، خود را نسبت به زندگی فردی و اجتماعی خود مسئول می‌بینند. این گرایش جمعی به سوی محبوب واحد، سبب همگرایی و همدلی در جامعه می‌شود. تا جایی که افراد نه تنها به دلیل حس مسئولیت‌پذیری بلکه فراتر از آن و از سرسرحیت و مؤدّت تمام‌هنجارهای اجتماعی و عاطفی را رعایت می‌کنند. تفاوت دیگر این است که در این فضای اجتماعی افراد خود را تک‌های از بازار شهر یا کشور خود نمی‌بینند بلکه خود را تک‌های از بازار و مؤثر در کلّ عالم می‌بینند.

حرف آخر اینکه اگر ما می‌خواهیم در یک جامعه آرام و کم‌ تنش بوده و شاهد پذیرش انواع مسئولیت‌های مدنی، اقتصادی و… باشیم، در ابتدا لازم است پایه‌های ایمانی‌مان را تقویت کرده و از هرگونه سستی و تنبلی اجتناب کنیم. هم‌زمان به کودکان خود تلاش و پذیرش عواقب رفتارهایشان را بیاموزیم و تا زمانی که جامعه و اطرفیان‌مان به بلوغ ایمانی برسند، بی‌تردید باید از سیستم تشویق و تنبیه مناسب استفاده کرد. در نهایت یادمان باشد، دولت‌ها را ملت‌ها می‌سازند. پس برای داشتن دولتمردانی مسئول‌تر از قبیل‌الآن از خودمان شروع کنیم. از پذیرش مسئولیت در قبال خودمان، خانواده، دوستان، ارباب رجوع، همسایه، طبیعت و… باید بداندیم هر رفتاری که از ما سر می‌زند عواقبی خوب یا بد دارد. پس عواقب بد را نیز بپذیرفته‌و برای جبران‌ها اقدام کنیم.

کتاب زندگی



چه چیز و چگونه بگوییم تا فرزندان‌مان به ما گوش دهند؟ چرا بچه من حرف گوش نمی‌ده؟!

- حسین گل‌محمدی**

«بچه‌جان حرف گوش بده»، این عبارت را شاید صدها و بلکه هزاران بار از زبان والدینی که دور و بر تان هستند شنیده باشید و اگر خودتان والد هستید محال است که این جمله را به فرزند خود نگفته باشید. برای من و شما این مهم است که بدانیم چرا بچه‌ها یمان به حرف ما گوش نمی‌دهند. کتاب «چرا بچه من حرف گوش نمی‌ده؟» نوشته ژان لوک اوبر، ترجمه آذین حسین‌زاده از نشر قطره در پاسخ به این دغدغه و پرسش نوشته شده است. این کتاب با نسخه اینترنتی به قیمت ۱۵۰۰ تومان نیز در دسترس علاقه‌مندان است. با هم محتوای این کتاب را مرور می‌کنیم.

محور مباحث کتاب «چرا بچه من حرف گوش نمی‌ده؟» از تسلط والدین با کودک‌کان و نوجوانان، شناخت سختی‌ها، بچران‌ها و رفع مشکلات در این دوره‌هاست. گویا این مباحث دغدغه‌ای به عنوان یک روانشناس برای مؤلف بوده، زیرا همان‌طور که در مقدمه کتاب آمده است، گوش ندادن بچه‌ها به خواسته‌ها و صحبت‌های والدین جزو یکی از پنج یا شش مشکل اصلی برای مراجع خانواده‌ها به روانشناسان و مشاوران است. مؤلف در مقدمه کتاب آورده است: زمانی که در رابطه با نوشتن کتاب با اطرفیانم صحبت می‌کردم بسته به موقعیت هر یک از آنها بازخورد در یافت می‌کردم.

همان‌طور که در ابتدای کتاب در قسمت شناسه‌هم به آن اشاره شده این کتاب دارای ریزموضوع‌هایی است که می‌تواند هویت کتاب را مشخص کند. از آن جمله می‌توان به والدین و کودک، اطاعت، آموزش و پرورش کودک‌کان، والدین و نوجوانان اشاره کرد.

ضرورت بحث در این‌موضوع و تألیف کتاب را از دو جهت علمی و دیگری ضرورت از نظر مؤلف کتاب می‌توان بررسی کرد. از لحاظ ضرورت از دیدگاه علمی می‌توان اذعان داشت یکی از مهم‌ترین بحث‌های روانشناسی، خصوصاً روانشناسی رشد بحث سازگاری کودک‌کان و نوجوانان در سطوح مختلف است. طبیعتاً یکی از صحنه‌های سازگاری بچه‌ها

د

کدام پدر یا مادری است که در مرحله‌ای از زندگی فرزندش با مشکل گوش دادن یا گوش ندادن او مواجه نشده باشد؟ مؤلف هم در این باره مدعی است یکی از رایج‌ترین مشکلات در زندگی والد-مشکلات در زندگی والد-فرزندی گوش‌ندادن و اطاعت نکردن فرزندان از والدین است

حرف‌شنوی و گوش دادن آنها می‌باشد. در باب ضرورت نگارش کتاب حاضر، ذکر این نکته کافی است که مطرح کنیم کدام پدر یا مادری است که در مرحله‌ای از زندگی فرزندش با مشکل گوش دادن یا گوش ندادن او مواجه نشده باشد؟ مؤلف هم با توجه به علم و تجربه‌اش به عنوان روانشناس و همچنین تجربه همکاری‌اش مدعی است که یکی از رایج‌ترین مشکلات در زندگی والد-فرزندنی همین مشکل گوش ندادن و اطاعت نکردن فرزندان از والدین است.

کتاب در قالب ۱۰ قسمت و یک مقدمه و عنوان «گوش دادن: اطاعت کردن یا یاد گرفتن؟» به تشریح موضوع مورد نظر پرداخته است. در آخر هم مؤلف با عنوان نتیجه‌گیری سعی بر جمع‌بندی مطالب کتاب دارد. کودکی که حرف گوش نمی‌دهد و یا خیلی کم حرف گوش می‌دهد، از روی بدجنسی چنین کاری نمی‌کند، بلکه باید علت آن را بررسی کرد. این

د

گوش دادن انواع و اقسامی دارد مانند گوش دادن توأم با لذت (که

برای کودک و والد بسیار مفید است)، گوش دادن توأم با اطاعت،

گوش کردن توأم با توجه، اشکال در گوش دادن یا حرف‌شنوی

کتاب به دنبال بررسی همین موضوع است، همچنین به دنبال جلوگیری از تنبیهات بی‌مورد والدین و معلمان در این فضا هم هست، تا بتوان از وارد شدن اضطراب‌های بی‌مورد به فرزندان جلوگیری کرد.

در قسمت اول کتاب با عنوان «مشاهدات روزانه» مباحث مهمی مطرح می‌شود که از آن جمله می‌توان به تأثیرات دوران جنینی و حالات تهدیدکننده و اضطراب‌آور آن در آینده مادر و فرزند اشاره کرد. حتی می‌توان با رافرتز نهاد و تأثیرات اطرفیان را هم به آن افزود. به عنوان نمونه اگر کودکی وقتی رنگ در به صدا درمی‌آید دچار ترس و نگرانی می‌شود می‌توان ریشه آن را در زمانی یافت که مادر از صدای زنگ در دسترس و اضطراب سرتاسر وجودش را فرامی‌گرفت.

در قسمت دوم کتاب هم آموزش و یادگیری اصل لذت ثانوی مطرح می‌شود. نکته قابل توجه در این قسمت زندگی کردن بچه‌ها در زمان حال و تأمل نداشتن به آینده است. از همین رو هم هست که در زمان بازی کودک

وقتی از او تقاضایی دارید و یا صحبتی با او دارید در این قسمت زندگی کردن بچه‌ها در عمل او را حمل بر بی‌ادبی می‌کنند. اگر برای والدین دغدغه‌ای پیرامون تکالیف درسی و انجام ندادن آنها وجود دارد، قسمت سوم کتاب با عنوان «انجام تکالیف مدرسه لحظه‌ای حساس» می‌تواند کارگشا باشد زیرا در این بخش توضیح داده می‌شود که تن به انجام تکالیف ندادن از طرف فرزندان، دلایل عدیده‌ای می‌تواند داشته باشد. از آن جمله به مشکل شنوایی (چه موقتی و دائمی)، خستگی یا این عنوان که گاهی اوقات فرزند به علت نداشتن برنامه و خستگی مفرط توان انجام تکالیف را ندارد، و یا دلایل روانی- که باید همه اینها مورد بررسی قرار گیرد- می‌توان اشاره داشت. همین‌طور مباحث دیگری که در قسمت‌های دیگر کتاب به آنها پرداخته شده است. به عنوان نمونه بحث جذب و اقتدار که در والدین بسیار مطرح است یا روش‌هایی همچون احترام به دیگری، اعتماد و… به دست می‌آید.

در قسمت پنجم کتاب که به بیان چند توصیه ساده برای برقراری ارتباط صحیح با فرزند می‌پردازد و در قسمت ششم چگونگی کنار آمدن با بحران و فوریت‌ها و خشم مطرح می‌شود. از قسمت هشتم کتاب به بعد مباحث گوش نکردن در دوره نوجوانی و مدرسه و راه‌های رابطه و رفتار والدین و جلب محبت به آنان مطرح می‌شود. در آخر می‌توان از مجموع مطالب کتاب این گونه نتیجه گرفت که گوش دادن انواع و اقسامی دارد مانند گوش توأم با لذت (که برای کودک و والد بسیار مفید است)، گوش دادن توأم با اطاعت، گوش کردن توأم با توجه، اشکال در گوش دادن یا حرف‌شنوی.

از جمله نقاط قوت کتاب قابل تطبیق بودن در موارد زیادی با فرهنگ‌های مختلف است. همچنین در آن از مطالب بسیار مفید و کاربردی استفاده شده است. از لحاظ محتوا هم می‌توان به علمی بودن مطالب و همچنین ارائه راهکارهایی مناسب اشاره کرد.

این کتاب نیز همچون سایر کتب قابل نقد و دارای اشکالاتی است. برخی ایرادات نگارشی، نقلی بودن بعضی از واژه‌ها و عبارات و استفاده نکردن از اصطلاحات روان‌تر و رایج‌تر از جمله مواردی است که می‌توان به عنوان معایب کتاب برشمرد.

در آخر می‌توان گفت این کتاب برای والدین و معلماتی که با مشکل حرف گوش ندادن فرزند یا شاگردشان مواجهند با رعایت و دقت نقدها می‌تواند مفید باشد.